

بازار داغ نظرسنجی های سرکاری

نزدیک شدن به روزهای آغاز فعالیت رسمی دولت دوازدهم بازار شایعات در ارتباط با مدیران استانی را داغ کرده است.

نظر سنجی های ی که در فضای مجازی انجام می شود بر این مسائل دامن می زند. بعد از هر نظر سنجی تحلیل های مختلف از دیدگاه های متفاوت در معرض دید و مطالعه علاقه مندان قرار می گیرد. دوستی تعریف می کرد برای این که درصد دوستان و هم فکرهای خود در نظرسنجی های فضای مجازی را بالا ببریم همه نزدیکان ، فامیل، اقربا و همسایگان را بسیج می کنیم به نفع ما رای بدهند تا با نتایج به دست آمده چند صباحی خوشحالی بکنیم و رسیدن به میز و صندلی ریاست و مدیریت را در رویا ها مرور نماییم.

نظر سنجی ها و نفوذ آنها به اردوی استانداری و شخص استاندار نیز قابل توجه و تامل است. بیشتر این نظر سنجی ها در راستای گزینه سازی از یک طرف و جذب مخاطب و معرفی کانال و سایت مربوطه و در نهایت تخریب و زیر سؤال بردن مدیران کنونی انجام می گیرد.

آیا این نظر سنجی ها که بیشتر مخاطبان آنها ساکن در استان می باشند می توانند در تصمیم مرکز نشینان تاثیر گذار باشند؟ نظر سنجی که تعداد محدودی از افراد جامعه در آن شرکت نموده و به عبارتی دیگر جامعه آماری آن قابل اعتماد نیست در عزل و یا انتصاب یک مدیر چه نقشی می تواند داشته باشد؟ آیا اقدام برگزار کنندگان نظرسنجی ها در روند خدمت رسانی مدیرانی که فعلا مسؤلیت دارند تاثیر منفی نمی گذارند و یک نوع دلسردی در آنها ایجاد نمی کنند؟ وقتی در نظر سنجی ها معاونین و نزدیکان یک مدیر به عنوان نامزدهای مدیریت معرفی می شوند در ارتباط صمیمی بین آنها اثری بر جای نمی گذارند؟

وقتی بالاترین مسؤول اجرایی استان در نظر سنجی در برابر معاونین و برخی دوستان و آشنایان قرار می گیرد در حالی که راه درازی تا شروع فعالیت دولت و آغاز اقدامات لازم برای عزل استاندارها و جایگزینی آنها در پیش است آیا می توان ادعا کرد که اقدام حرفه ای انجام پذیرفته است؟

برای این که عملکرد یک مدیر در بوته نقد و بررسی و تحلیل قرار بگیرد کسانی که در این عرصه وارد شده و پیشقدم می شوند باید از

فعالیت های انجام یافته در چهارسال گذشته ، کاستی ها و کمبودها، امکانات و زیرساخت ها ، وعده های داده شده و ... آگاهی کامل داشته و قضاوتی منصفانه داشته باشند.

با بسیج آشنایان برای رای دادن بر ادامه مدیریت و یا برکناری یک مدیر و روزها و هفته ها در ارتباط با آن مانور دادن آیا نوعی کم لطفی و بی انصافی در حق مدیران نمی تواند باشد؟

کجا گفته شده است که مسؤولین کشور با رای و نظر حداکثر هزار نفر در یک استان برای تغییر و تحول در استانداری و ادارات کل اقدام می کنند و بدون توجه به تخصص ، میزان تحصیلات، کارآیی، سابقه مدیریت و... در سطح کلان تصمیم گیری می کنند؟ دل خوش کردن به رای آنهایی که با تلفن های مکرر و تمناهای پیوسته در نظر سنجی ها شرکت می کنند کاری بر خلاف عقل و منطق است.

در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برای هر فرد و مسؤول و دست اندرکاری وظایف تعریف شده و مشخص است. دخالت در وظایف دیگران و تلاش برای نظر سازی با اصول مدیریت صحیح نمی تواند سازگاری داشته باشد.

در بین ادارات کل و سازمان ها و نهادهای استان که در فضای مجازی بیشتر مورد توجه بوده و در ارتباط با آن نظر سنجی های مختلف راه اندازی می شود اداره کل ورزش و جوانان استان است. ادارات کلی چون صنایع و معادن، سازمان کشاورزی، ثبت اسناد و ثبت املاک و... اصلا در معرض نظرسنجی ها و رای افراد قرار نمی گیرند ولی اداره کل ورزش و جوانان به دلیل ویژگی های خاص و وظایف گسترده و تحت پوشش قرار دادن اکثریت جامعه همواره در زیر ذره بین بوده و با بالا بودن سطح توقعات و مشکلات قشر جوان و ورزشکار در معرض اتهام قرار می گیرد.

این روزها حساسیت برای دلسوزی و دفاع از حریم ورزشکاران و ورزش استان آنچنان بالا رفته و تب آن جامعه را فرا گرفته است که بیشتر افرادی که به نوعی با ورزش آشنایی دارند صبح که از خواب بیدار می شوند خود را در قد و قواره مدیر کلی تشخیص داده و برای دست یافتن به میز مدیریت ورزش استان برنامه ریزی را آغاز می کنند و متاسفانه این اقدام را در گام اول با زیر سؤال بردن مدیریت فعلی و حمله به آن آغاز می کنند.

بحث در این نیست که آیا مدیریت فعلی موفق بوده است یا نه؟ و

آیا مخالفت برخی ها به وضعیت موجود در راستای دلسوزی برای ورزش است و یا در پشت آن اهدافی چون طرفداری و هواداری از این و یا وابستگی به آن و یا سینه زدن برای مطرح کردن فردی و یا افرادی قرار دارد بلکه قصد ما از طرح این مساله آن است که بگوییم همه اقدامات ما باید با در نظر گرفتن منافع مردم و جامعه و در جهت جلب رضایت پروردگار باشد.

چگونه می توان پذیرفت که اعلام نرخ بلیط ورودی برای والیبال انتخابی جهان بهانه ای برای طرح خداحافظی مدیریت فعلی فعلی ورزش و جوانان استان باشد ؟ اگر تماشای بازی ها رایگان می شد دوستان مدعی، ابقای مدیریت را خواستار می شدند/

صداقت در هر عمل و اقدامی اگر در سرلوحه کار قرار بگیرد می تواند در جامعه و افکار عمومی تاثیر گذار باشد ولی زمانی که در اتاق های فکر، دستیابی به اهداف بانندی و گروهی در اولویت قرار گرفته و برای این کار نوع برخوردها را مشخص کرده و نقشه راه ترسیم بکنند پیش می آید هرآنچه در چهار سال گذشته و در طول حیات دولت تدبیر و امید پیش آمده است.

ورزش اردبیل نیاز به مدیرانی دارد که خاک خورده آن باشند. از سوابق ورزشی درخشان و روشنی برخوردار باشند و با ورزش و رشته های مختلف ورزشی بیگانه نباشند و از همه مهم تر چهره ای شناخته شده در ورزش و مورد قبول جامعه باشند.

متاسفانه گاهی وقت ها شنیده می شود برخی افرادی که اسب خود را برای بالا رفتن از پله های ساختمان ورزش زمین کرده و سخت از درگاه و آستان یکی از نمایندگان مردم در مجلس آویزان شده است بدون بهره بردن از کوچک ترین جایگاه در ورزش و برخورداری از کارنامه ای قابل دفاع در بخش اجرایی و دارا بودن حداقل پارامتر های مورد نیاز برای تصدی پستی حساس چون مدیریت ورزش استان برای خود و دوستان ونوچه ها دنیای خیالی تشکیل داده اند و هر شب با رویای مدیریت بر ورزش استان به خواب رفته و با آرزوی رسیدن به آن از خواب بیدار شده و هر روز نقشه ای جدید، برنامه ای تازه و اقدامی نو در پیش می گیرند ولی غافل از آن هستند که مدیریت بر ورزش کاری بسیار بزرگ، سخت و طاقت فرساست که هر کسی نمی تواند بار سنگین آن را تحمل بکند. برای برخی ها که از اداره کردن یک بخش کوچک عاجز هستند و درمانده، آرزوی رسیدن به مدیریت در ورزش استان سرابی بیش نمی تواند باشد و بنابر این بهتر است این قبیل

افراد گول مشورت های عده ای خودفروخته ، حقه باز و نان به نرخ روز خور را نخورند و به کار خود مشغول باشند و دخالت در امور بزرگان را پیشه خود نسازند. این ها اگر نمی توانند بر قوه مقام پرستی غالب شوند برازنده خواهد بود که همان در مجموعه خود به دنبال پست باشند و در آنجا نقشه های خود را به مورد اجرا بگذارند. والسلام